

شهر آرا مجله

در یافت نسخه الکترونیک شهر آرا مجله از SHAHRARANEWS.IR

در چهارمین نشست اعضای شورای اجتماعی محله پنج تن آل عبا
به تصویب رسید

تسهیلگر سازمان بهزیستی خبر داد

پای صحبت خانواده‌ای که با عشق، نان به دست مردم می‌دهند

اجرای طرح «نجات» برای توان یابان محله قربانی

نیمه دوم امسال و هم‌زمان با شروع مهر ماه، طرحی در برخی محلات از سوی
استانداری خراسان رضوی کلید خورد که...

۳

تنور گرم خانوادگی

آتش از دل تنورهای گلی سر برآورده از دیوار، ول‌ول می‌کند. در سرمای سوزنده
اسفند ماه، گرمای دل‌چسبی است. بوی خوش نان تازه این حس خوش را دوچندان
می‌کند...

۴

انتقال پل هوایی از پنجتن ۵۵ به پنجتن ۷۰

بعد از برگزاری جشن بزرگ انقلاب در فرهنگسرای انقلاب از سوی نماینده‌های
شورا که به واقع با یک تیر ۲ نشان زده بودند، ...

۲

روایتی کوتاه از خیابانی پاک

پنجتن، از دیروز تا امروز

۴





shahraranews.ir



چند سطر از انتخابات

حرف اول



معصومه فرمانی کیا
دبیر شهردار محله

قبول دارم تحلیل گر خوبی نیستم، اصلا و ابدا نمی توانم ژست تحلیلیگر را به خود بگیرم، اما هر سوزی دیگری که بخوام مطرح کنم، بی وجه است. وقتی حکایت روزهای انتخابات

باروزهای پایانی سال و التهاب لحظه هایی که نام شب عید را یاد می کشند یکی می شود، فضای عجیبی را در رگ و ریشه های شهر ایجاد می کند. خودتان را جای کسی بگذارید که قبل از انتخابات با مردم همکلام می شود ولی می بیند برخی هایشان مدام غر می زنند و از همه چیز گله دارند. اینکه بی هیچ فکر و اندیشه ای دهان باز می کنند و همین یک عبارت را تکرار می کنند که «همه سر و ته یک کرباس اند» و رأی بدهیم که چه بشود؟ آخرش معلوم است چه اتفاقی می افتد خواهد. آن هایی که یک جور بی باس حرف می زنند و انبوهی از اتفاقات ریز و درشت را فهرست می کنند و در صورتان می گویند، انگار که در جهنم دوزخی سخت روزگار می گذرانند و طاق التهاب و گرمای آن را ندارند و قرار نیست هیچ وقت چیزی درست شود.

همیشه در این میان اما کسی هست که قانعان کند. فراتر از انتظار مان حرف می زند و خوب حرف می زند. پیر مرد یکی از کوچه های فرعی محله قربانی، راحت و بی تکلف حرف می زند، صمیمی و خودمانی. برخلاف خیلی ها از همه چیز راضی است. اولش فکر می کنیم به شوخی می گوید، اما قاطعیتش را که تا آخر می بینیم، امیدوار می شویم.

«مدام می خواهیم عیب سر کوچه، محله، شهر و کشور مان بگذاریم. بزرگ ترین عیب را خودمان داریم که هیچ وقت شاکر نیستیم. چرا این همه نعمت را نمی بینیم؟ ما آدم های ناسپاسی هستیم. هیچ کس لذت شیرین امکانات را جز ما قدیمی هانی فهمد. سن و سالی از ما گذشته است. من را که می بینید نزدیک به ۸۰ سال دارم. از آن هایی بودیم که با اسب و قاطر رفت و آمد می کردیم. مجبور بودیم آب از چاه بکشیم و در برف و بوران و بدترین شرایط کار کنیم. چه کسی به درس و دانشگاه فکر می کرد؟ دکتر کجا بود که در درمان را در مان کند و این همه خورد و خوراک را کدام سفره و خانه داشتند. ما آدم های ناسپاسی هستیم خانم. دیروز عمل چشم داشتم که یک ساعت هم زمان نبرد. در گذشته کجا این همه امکانات و تجهیزات بود؟ این قدر ناشکر نباشیم.»

وقت نماز بود و مرد برای رفتن عجله داشت، وگرنه برای ایستادن در این سرما پر انرژی بود. باز هم حرف می زد تا قانع تر مان کند. کاری به حرف های این یکی نداریم و به غرولندهای دیگران هم. بیا باهم روراست باشیم. نمی خواهم از چیزی دفاع کنم. نمی خواهم بگویم حق با من، با تو یا دیگری است. اصلا حرف چه کسی درست بوده هست؟! می خواهم آدم بر حقی باشیم. همه سختی ها و تلخی ها قبول و به کنار.

این حرف ها چقدر وقت و انرژی مان را به هدر برده است؟ کارهای خوبی را به لطف انتخاباتمان در محله شروع کرده ایم. در همین محلات حاشیه ای و دورافتاده که به قول خودتان تا سال ها قبل، پرند هم در آسمانش پر نمی زد، حالا به این خوبی در کنار هم زندگی می کنید و برای محله تان طرح و برنامه می ریزید و مطالبه گری دارید. مدیران شهری دست کم در همین محدوده ای که محله زندگی من و شماست، تمام تلاششان را می کنند که ما را راضی نگه دارند. همه جای دنیا انتخابات برگزار می کنند. همه جای دنیا ممکن است آدم ها با هم اختلاف نظر و درگیری داشته باشند. همه جای دنیا خاک کشورشان برای خودشان مقدس است و ما همه بی شک و تردید محله زندگی مان را دوست داریم و ایران و پرچم سه رنگی که قرار است روی دوش من و تو بالا برود، اما گاه حرف هایمان با قلب هایمان هم خوانی ندارد. دروغ می گویم؟



در چهارمین نشست اعضای شورای اجتماعی محله پنج تن آل عبا به تصویب رسید

انتقال پل هوایی از پنجتن ۵۵ به پنجتن ۷۰

مشاوره و ازدواج، برگزاری مسابقات ورزشی، راه اندازی کتابخانه و قرائت خانه کوچک در مساجد محله، حمایت از ایده های مربوط به کسب و کارهای کوچک، پیگیری ساخت و سازهای غیرقانونی در منطقه، اجرایی شدن طرح آگو در محله و نبود سرعت گیر در محدوده های حادثه خیز از جمله موضوعاتی بود که به گفته رئیس شورا، اهالی خواستار رسیدگی و اجرایی شدن آن ها در محله بودند.

● اولویت با جوانان است

در ادامه این نشست اعضای حاضر نظر ها و پیشنهاد های خود را در باره موضوعات مطرح شده بیان کردند. محمد حسن فرزانه، نماینده مساجد، پیش تر از همه روی نوجوانان و جوانان دست گذاشت و گفت: با توجه به ناهنجاری های پیش رو، به نظر می رسد اولویت اول آن ها باشند. به همین علت فضایی درخور و مناسب برای فعالیت های ورزشی آن ها باید در نظر گرفت.

● سامان دهی خانه های بدون پلاک

لیلی نیکنام، نماینده بانوان محله، نیز موضوع نبود صندلی و سایبان در ایستگاه های اتوبوس را پیش کشید و گفت: با توجه به اینکه زمان زیادی تا پایان سال نمانده است، جانمایی شان در ایستگاه های اتوبوس اولویت دارد و همچنین دستگاه شارژ من کارت که نبودش خیلی در دسر ساز است. نیکنام سامان دهی پلاک های منازل و ایجاد

کرده اند، به بهترین نتایج و دستاوردهای ممکن دست پیدا کنند.

● گفت و گوی نماینده های شورا با مردم

در ادامه دکتر رمضان روحانی با بیان اینکه ماه گذشته جشن بزرگ انقلاب که با مشارکت شورای اجتماعی همین محله در فرهنگ سرای انقلاب برگزار شد، دستاوردی از همدلی مردم بود، گفت: شور و هیجان و اشتیاق مردم در این مراسم نشان از این دارد که همراهی ها نتیجه ای رضایت بخش دارد.

● جانمایی پل هوایی در پنجتن ۷۰

وی تقاضای مردم در باره جابه جایی پل هوایی پنجتن ۵۵ را با توجه به بی استفاده بودن آن طرح کرد و گفت: با توجه به تردد در پنجتن ۷۰، جانمایی پل در این محدوده مناسب تر است.

دکتر روحانی ادامه داد: همچنین منازل محدوده پنجتن ۹۱ تا ۹۳ بدون پلاک هستند و خانواده ها با مشکلات زیادی در نشانی دادن گریبان گیرند و بهتر است در این باره هم در شورا تصمیم گیری شود. نبود سرویس بهداشتی عمومی، جانمایی سطل های زباله بزرگ در محدوده های پر تردد محله، سامان دهی تاکسی های انتهای پنجتن در میدان این محله، راه اندازی بازارچه محلی برای حمایت از کارآفرینان و مشاغل خانگی، احداث پارک خطی، راه اندازی کمپ ترک اعتیاد، سامان دهی دست فروشان، راه اندازی پایگاه

بعد از برگزاری جشن بزرگ انقلاب در فرهنگ سرای انقلاب از سوی نماینده های شورا که به واقع با یک تیر

۲ نشان زده بودند، هم معرفی نماینده های شورا به مردم و هم همراهی آن ها در یک مراسم محلی و بازتاب شیرین آن، نماینده ها قدم اول را برداشتند و به میان مردم محله رفتند. اقدامی که نتیجه آن در چهارمین نشست مطرح شد.

در ابتدا زهره جهان شیر، دبیر شورا، به گوشه ای از فعالیت و برنامه های اعضا در فاصله ۲ نشست اشاره و اظهار کرد: نشست مشترک با رئیس و نایب رئیس محله قربانی به بررسی و ارائه راهکار برای جلوگیری از موزای کاری ۲ محله، جلسه با خانم مرام، عضو شورای شهر، و دعوت از ایشان برای بازدید از محله و مشاهده عینی مشکلات محله پنج تن آل عبا و ارائه گزارش هایی در جلسه مشترک با این عضو شورا و دعوت از کارشناسان طرح استقبال از بهار و اجرای طرح های بهارانه برای حضور در محله از جمله فعالیت ها و عملکرد شورا در یک ماه گذشته بود.

در ادامه او با اشاره به تشکیل کارگروه های خدمت رسانی، فرهنگی، عمرانی، جوانان، بانوان و علمی گفت: هر کدام از این کارگروه ها موظف به تشکیل تیمی قوی از افراد دغدغه مند و پرتلاش محله هستند تا در راه و مسیری که انتخاب



منازل محدوده پنجتن ۹۱ تا ۹۳ بدون پلاک هستند و خانواده ها در نشانی دادن مشکل دارند



به قلم دوربین

دریافتی

بهار نزدیک است

کردند، هر چند آن ها زمستان پر کاری را هم پشت سر گذاشتند.

جمع آوری و پاک سازی زمین های بایر ناحیه ۳ و پاک سازی پوسته های تبلیغاتی و امحای دیوارنویسی ها از جمله فعالیت های آن ها است که روزهای پر کاری را بعد از انتخابات برای آن ها رقم زده است.

اسفند همه چیزش غافل گیرکننده است. انگار قرار است از نو همه چیز را تجربه کنی، یک شروع تازه و جدید. نیروهای خدمات شهری فعالیت پر شورتری را در آستانه این فصل شروع



بهانه آفرینش با حضور پر شور ۲۰۰ نفر از بانوان منطقه و به مناسبت هفته زن در فرهنگسرای انقلاب برگزار شد. زهره جهانشیر با اعلام این خبر گفت: این مراسم با مشارکت خیریه منتظرین ولی عصر (عج)، خیریه بیت العباس، جمعیت همیاران سلامت، خیریه انصار الهادی، کانون شهر بهشت، مرکز

سوادآموزی نرجس همراه با قرعه‌کشی و اهدای جوایز انجام شد. وی یادآور شد: همراهی و در کنار هم بودن بانوان توانمند، باب آشنایی آن‌ها با هم را باز کرد و با اجرای برنامه‌های شاد مانند استندآپ کمدی، موسیقی سنتی و... مناسبت خاطره‌انگیزی را در ذهن آن‌ها رقم زد.



تسهیلگر سازمان بهزیستی خیرداد

اجرای طرح «نجات» برای توان‌یابان محله قربانی



مهاجر در آن قرار نخواهند داشت. طرح «نجات» شامل همه افراد ناتوان و از کار افتاده، توان‌یابان جسمی حرکتی (به جز معلولان ذهنی)، افراد نابینا و کم بینا است. بعد از معرفی، تحقیق و بررسی و رعایت اولویت‌بندی‌ها، از این عزیزان حمایت می‌شود. درباره افرادی که مشکل روانی دارند، شرط آن بستری بودن به مدت یک ماه در مراکز روان‌درمانی از جمله بیمارستان ابن سیناست. بعد از گذراندن این مدت و برگزاری کمیسیون، پرونده تشکیل می‌شود و زیر پوشش بهزیستی قرار می‌گیرند.

● **حمایت‌هایی که در این طرح قرار است از جامعه هدف بشود، شامل چه موضوعاتی است؟**
حمایت‌ها هم مالی و هم شامل اقام و لوازمی است که مورد نیاز توان‌یابان است. به عنوان مثال واکر، صندلی چرخ‌دار، سمعک، عصا و... که البته باید تأکید کنم برای تخصیص آن‌ها بر اساس نیاز هم اولویت‌بندی می‌شود. علاوه بر این در طرح وامی گنجانده شده است. مبلغی به عنوان بلاعوض به توان‌یابانی که مدرک فنی و حرفه‌ای دارند و قرار است کاری را شروع کنند، داده می‌شود.

● **برخی افراد واجد شرایط در طرح «نجات»، امکان طی کردن پرسه اداری و... ندارند، آیا راهکاری برای این دسته از افراد در نظر گرفته شده است؟**
کافی است یکی از نمایندگان شورا مدارک لازم برای تشکیل پرونده که شامل فتوکپی کارت ملی و شناسنامه و ۲ قطعه عکس پشت سفید است را به نزدیک‌ترین مجتمع سازمان بهزیستی ببرد و تشکیل پرونده شود. بعد تشکیل جلسه کمیسیون در صورت تأیید، زیر حمایت سازمان بهزیستی قرار خواهند گرفت.

این فرایند هم در محله دنبال می‌شود؟
این طرح در حوزه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است و موضوعات مختلف را در بر می‌گیرد که بخشی از آن حوزه بهزیستی را شامل می‌شود و در حوزه عملکردی ماست.

● **دلیل انتخاب محله شهید قربانی از بین این همه محله چیست؟**
محله شهید قربانی جزو محلات پیرامونی به‌شمار می‌رود که کمترین اطلاعات را درباره افراد نیازمند و واجدان شرایط زیر پوشش حمایتی سازمان بهزیستی آن داریم. از همین رو با انتخاب آن به عنوان یکی از محلات اجرای طرح «نجات»، تصمیم گرفته شد با کمک گرفتن از اعضای شورای اجتماعی محله آماری در این رابطه تهیه شود.

● **تجربه‌ای از اجرای این طرح در دیگر محلات در دست دارید؟**
طرح «نجات» در کرمان اجرا شده و نتیجه‌بخش بوده است. آقای رزمی، استاندار خراسان رضوی، تصمیم گرفتند این طرح را در مناطق و محلات حاشیه شهر مشهد اجرا کنند. طرح در محله شهید قربانی در مرحله تحقیق و بررسی قرار دارد. تأمین بودجه هم شده است، به یاری خدا بعد از شناسایی افراد واجد شرایط، وارد حوزه اجرای آن خواهیم شد.

● **اولویت‌بندی مشمولان این طرح بر چه اساس است؟ آیا با توجه به آمار بالای مهاجران در این منطقه، طرح شامل آن‌ها نیز می‌شود؟**
این طرح ویژه افرادی است که مشمول خدمات حمایتی سازمان بهزیستی کشور می‌شوند، پس قاعدتاً افراد

نیمه دوم امسال و هم‌زمان با شروع مهر ماه، طرحی در برخی محلات از سوی استانداری خراسان رضوی کلید خورد که نشانه توجه و مهر دولت به افراد آسیب‌پذیر اجتماع به ویژه در مناطق پیرامونی است، طرحی با عنوان «نجات» که یکی از اهداف حمایت از افراد توان‌یاب و نیازمند پوشش حمایتی خاص است. محله شهید قربانی در منطقه ما از محدوده‌هایی است که قرار به اجرای این طرح در آن است. از همین رو با فاطمه خوشحال، تسهیلگر سازمان بهزیستی و مجری اجرای طرح «نجات» در محله شهید قربانی، درباره این موضوع به گفت‌وگو نشستیم.



● **با توجه به اینکه منطقه ما یکی از مناطق پیرامونی است، درباره اجرای طرح «نجات» در این محدوده توضیح دهید.**
همان‌طور که مطلع هستید، استانداری خراسان رضوی ۵ محله مهرآباد، دروی، سپس آباد، پورسینا و شهید قربانی را برای اجرای طرح «نجات» انتخاب کرده است. در این طرح قرار است بانک اطلاعاتی از توان‌یابان و افرادی که نیازمند خدمات ویژه بهزیستی هستند، تهیه شود. این فرد می‌تواند سال‌نمد نیازمندی باشد که به سبب کهولت سن دچار مشکلات جسمی حرکتی شده است یا خانواده‌ای که سرپرستی افراد توان‌یاب را عهده‌دار است.

● **تا آنجا که در جریان هستم، این طرح مربوط به ناهنجاری‌های اجتماعی مثل اعتیاد هم می‌شود.**

بازارچه محلی را جزو اولویت‌های بعدی یاد کرد. امیر میرزایی، نماینده سکنه، نیز جانمایی صندلی، شارژر من کارت و جابه‌جایی پل هوایی مطرح شده را از اولویت‌های برنامه پیش‌رو برشمرد.

علی سجادی، نماینده جوانان، با تأیید موضوعات مطرح شده افزود: با توجه به نزدیک بودن نوروز و نصب و جانمایی المان‌های نوروزی در نقاط مختلف، برای چشم‌نوازی در این محله نیز المانی درخور جانمایی شود.

امیر ترابی، نماینده کسبه، نیز ضمن تأیید اولویت‌های نامبرده شده از سوی نماینده بانوان و جوانان گفت: من هم با پیشنهاد نماینده مساجد برای افزایش فضاهای ورزشی موافقم.

وی در ادامه پیشنهاد داد: با رایزنی مسئولان مدارس، بخشی از فضای مدرسه فنس کشی و جداسازی شده است و در اختیار اهالی ورزش دوست محله قرار گرفته است.

محمد حسین زاده، دیگر نماینده شورا، مهیا کردن محیط شهری و رفع موانع بر سر راه توان‌یابان را پیشنهاد داد.

محمدرضا حسینی هم نصب پوستر با پیام‌های اخلاقی متناسب در اتوبوس‌ها همراه با شماره تلفن مرکز رسیدگی به شکایت‌ها را مطرح کرد.

● **مصوبات**

جابه‌جایی و انتقال پل هوایی پنجتن ۵۵ - با توجه به بی‌استفاده بودن - به پنجتن ۷۰، نصب و جانمایی صندلی و دستگاه شارژر من کارت در ایستگاه‌های اتوبوس محله، نصب پلاک افتخار بر سردر منازل تعدادی از شهدای محله و تقدیر از پدران شهدا به مناسبت روز پدر از جمله مصوبات چهارمین نشست اعضای شورای اجتماعی محله پنجتن آل‌عبا بود. ■





روایتی کوتاه از

پنجن، از دید

گل دفتر



گزارش این محله را برای این انتخاب کردیم که تقریباً هر رسانه‌ای که سراغ آن می‌رود، تصویری از آدم‌های کم‌درآمد را به نمایش می‌گذارد که مهم‌ترین تصمیم زندگی‌شان سیرکردن شکم در نزدیک‌ترین وعده غذایی‌شان است. آدم‌هایی که روزگارشان آمیخته با رنج و ناکامی و گرسنگی است. آن‌هایی که خیلی‌هایشان خانه‌به‌دوش و آواره‌اند و بدبختی مخرج مشترک زندگی کسانی است که آن طرف صدمتری ساکن محله پنجن هستند، چه بومی باشند و چه مهاجر که تعدادشان

کم نیست. اما این روایت دردناک خیلی‌هایشان گله‌مند از این موضوع است. فقر و بدبختی می‌زند و تعمیم می‌دهد؟ پنجن امروز یک نقطه قوت از بررسی شوراها، اجتماعی محله فرهنگی حوزه شهری در آن می‌کند که به همت آن‌ها گام شده است. این هفته روایت از محله‌ای است

محله التیمور، از «پنج تن آل عبا» گردآوری کرده است، از محدوده دیگری از پنجن سخن رفته است. اینکه پنج تن آل عبا در گذشته نه خیلی دور و هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی «التیمور» نام داشته است و سال ۱۳۹۱ با شکل‌گیری شورای اجتماعی و تفکیک محلات به نام

اما متأسفانه پیشرفت آن چنانی به لحاظ امکانات رفاهی و زیرساخت‌های شهری نداشته است.»

یک روایت دیگر

در اطلاعاتی که لیلی نیکنام، عضو شورای اجتماعی



● **طلافروشی نبود**

علیرضا امیربیک مغازه طلافروشی کوچکی دارد. ۳۰ سال است به کاسبی در این خیابان عادت کرده است. به قول خودش یک‌روز و ۲ روز نیست، ۳۰ سال حساب یک عمر است. می‌گوید: «بیشتر مشتری‌ها محلی و از روستاهای بالا هستند، شترک، امرغان، برزش‌آباد.»

صحبت از زندگی‌اش که می‌شود، تعریف می‌کند: «اصالتاً نیشابوری‌ام و بعد سربازی در مشهد ماندم و دیگر به نیشابور برنگشتم. در همین محله ماندم و ازدواج کردم و اول برای خودم مغازه برنج‌فروشی دست‌وپا کردم و مشغول کار شدم. مدتی هم روی تاکسی کار کردم، اما بعدها کنار برنج‌فروشی با سرمایه اندکی که پس‌انداز کرده بودم، فکر کردم طلافروشی برای این محله لازم است. فاصله اینجا تا شهر زیاد است و بر مردم سخت بود که برای خرید طلا راه زیادی را طی کنند. برای همین مصمم شدم و ضرر نکردم. قدیم این طور آبادی نبود. کسی که به این محله می‌آمد، مجبور می‌شد چند روزی بماند، اما حالا جزو شهر است.» از وجه تسمیه محله که می‌پرسم، استناد می‌کند به ۵ امامزاده‌ای که در محله تبادکان دفن شده‌اند و می‌گوید:

«مردم این محله از دیر زمان و قبل اینکه شجره‌نامه آن‌ها به دست بیاید، به کسانی که در روستای تبادکان و قبرستان محلی آنجا دفن بودند، ارادت داشتند. از زمانی هم که مشخص شد آن‌ها امامزاده هستند، این ارادت بیشتر هم شد.»

● **همسایه‌های کشاورز**

حیدر شهودی مردی میان‌سال و ۴۶ ساله است که اطلاعات خوبی از گذشته دارد. او تعریف می‌کند: «آن‌طور که پدرم می‌گفت، ما اهل روستای امرغان بودیم. وقتی ۲ سالم تمام نشده بود به این محله آمدم. البته آن زمان را یادم نیست، اما از وقتی کمی بزرگ‌تر شدم، اینجا بی‌شکایت به روستایمان نبود. چند خانه پراکنده و دور از هم داشت. یادم هست پنجن ۲۳ یک کال بود. خانه اول ما در آن کوچه قرار داشت. بعدها آن کال پر شد. یک کارخانه آجر هم در همان محدوده بود که بیشتر اوقات محل بازی پسر بچه‌ها بود. پنجن ۱۷ صیفی‌جات بود. انتهای پنجن ۴۵ که الان پارک ارم است، باغی مربوط به طاهر احمدزاده بود که زمانی استاندار خراسان بود. اول محله هم باغ بزرگ دیگری متعلق به آقای برنجیان بود. صادقیه هم بیشتر زمین‌های صیفی‌جات و سبزیجات بود که سرسبزی و زیبایی خاصی داشت. خیابان‌ها آسفالت نبود. سال ۶۴ یا ۶۵ بود که بعد از عقب‌نشینی خیابان آسفالت شد. مسیر روستاهای شترک، امرغان، کاملی، شرشر و... به سمت مشهد و حرم امام‌رضا(ع) از همین محدوده بود.»

● **همه محله باهم آشنا بودند**

او ادامه می‌دهد: «خیلی به ما خوش می‌گذشت. همسایه‌ها همه کشاورزی داشتند. تعداد افراد محله کم بود و همه باهم آشنا بودند. چون جمعیت کم بود و همه همدیگر را می‌شناختند، وقت برداشت محصول همگی برای کمک به هم اعلام آمادگی می‌کردند تا راحت‌تر و سریع‌تر برداشت شود و این کار را هم انجام می‌دادند. بیشتر کارهای کشاورزی را خودمان انجام می‌دادیم و محصول را برداشت می‌کردیم و همان‌جا می‌کوبیدیم و آماده‌اش می‌کردیم. اگر نیاز مندی سر خرمن می‌آمد، حتماً کمکش می‌کردیم. زمستان‌ها کرسی می‌گذاشتیم و یک سینی بزرگ مجمعی شکل بالای آن که تخمه تفت داده بودیم، داخل آن می‌ریختیم و خوراکی‌هایی مثل برگه زردآلو و... می‌گذاشتیم و هر شب به نوبت خانه یک نفر جمع می‌شدیم و سالی یک بار پلوس می‌خوردیم، آن هم شب عید و چقدر می‌چسبید. قدمت این محله از قاسم‌آباد، بولوار سجاده، امامت و... هم خیلی بیشتر است،

● **پنجن و ترافیکش**

پنجن از محدوده‌های شلوغ شهری است که ترافیکش همیشه زبازد است. از صف تاکسی‌های زردرنگی که در ابتدای ورود چشم را درگیر خود می‌کند تا انبوه خودروهایی که همین ابتدای خیابان، معطل باز شدن گره ترافیک هستند. البته هم مردم و هم سر نشینان خودروها به این موضوع عادت کرده‌اند و می‌دانند پنجن را گریزی از ترافیک نیست.

همان ابتدای ورود، مجموعه‌ای بلند از مغازه‌های شیک و امروزی پیش رویمان است، به همین علت بافت تجاری بیش از هر چیزی به چشم می‌آید. خیابانی که به نام شهدای مختلف نام‌گذاری شده است، پنجن ۲۱ شهید سوختللو، پنجن ۲۳ شهید احمد ناتوان، پنجن ۲۵ شهید محمد رحیم داورپناه، پنجن ۲۹ شهید حسن جوانبخت و...

بافت مسکونی در کوچه‌های فرعی است که باریک و طولیل و بلند است. چیزی که در نگاه اول به چشم می‌آید، این است که جایی برای عبور خودرو نیست. انگار اهالی غیر ممکن‌ها را ممکن کرده‌اند و از همین کوچه‌ها تردد می‌کنند، گرچه به نقل خیلی‌ها آمار تصادفات نیز در این محله زیاد است.

● **تبدیل زمین‌های کشاورزی به سرپناه**

این محله تا پنجن ۴۵ و فرهنگ‌سرای انقلاب و مرکز مخابرات ادامه دارد و بعد قسمتی بیابان مانند است و سپس می‌رسد به محله بعدی و پنج تن آل عبا. در همین محدوده ابتدایی ۲ مسجد است و چند بانک و در مانگ‌گاه و مرکز تخصصی دندان پزشکی و مجموعه‌های آموزشی زبان انگلیسی و حتی موسیقی و هنر. به این‌ها اضافه کنید چند داروخانه و پایگاه خدمات اجتماعی که البته بیشتر روزها در آن‌ها بسته است.

بیشتر کسانی که با آن‌ها هم‌کلام می‌شویم، تعریف می‌کنند که در قدیم محله بیشتر زمین کشاورزی بوده و قیمتی هم نداشته است. خیلی‌ها برای اینکه سرپناهی داشته باشند، زمین‌ها را ارزان می‌خریدند و خوار و علف‌ها را می‌کنند و خودشان دیوارها را بالا می‌بردند و بعد داخل خانه چاه می‌زدند و برای مصارف شست‌وشو آب را از آنجا برداشت می‌کردند. کم‌کم آبادی آمد و خیابان‌کشی شد.

● **زمین‌های قطعه‌بندی شده**

آن‌ها می‌گویند خیلی‌ها مלאک بوده‌اند و مایه‌دار. زمین‌های بزرگ را قطعه‌بندی کردند و فروختند. بقیه ساکنان قدیمی قشر ضعیف و کارگران بودند و برخی از زمین‌های کشاورزی کارگری می‌کردند. برخی از قدیمی‌های محله وجه تسمیه این محله را منتسب به همان ۵ امامزاده روستای تبادکان در انتهای پنجن می‌دانند. خیلی‌ها هم تا به حال به این فکر نکرده‌اند که چرا به محله‌شان پنجن گفته می‌شود.

میوه‌فروشی محمد مهربانی در راسته خیابان است. میوه‌ها در ۲ سمت مغازه و زیر نور چراغ‌های پرنور برق می‌زنند. پیرمرد بر روی صندلی که با چند پتو پوشانده شده، نشسته است و می‌گوید: «۷۰ سال از خدا عمر گرفته‌ام و ۳۰ سال است که در این محله‌ام. قبلاً در منطقه طرق زندگی می‌کردیم، اما دست روزگار ما را به این سمت شهر کشاند و این موضوع هم جریانی دارد. پسری دارم که مادرزادی ناشنواست. با راهنمایی آشنایی او را در بهزیستی ثبت‌نام کردیم تا بتوانیم از خدمات آن استفاده کنیم، اما بهزیستی برای طرق که محل زندگی مان بود خدمات نداشت. این شد که برای پسرم به اینجا آمدم.»

درباره شغلش که می‌پرسم، می‌گوید: «بازنشسته کارخانه هستم.» می‌خندد و ادامه می‌دهد: «این مغازه دوستم است که چون چند روزی کاری برایش پیش آمده، رفاقتی آمده‌ام تا در حجره‌اش بسته نباشد. بیشتر مشتری‌ها بومی هستند. اگر مغازه تعطیل باشد، کلی راهشان دور می‌شود.»

امروزی‌ها اما حرف‌هایشان متفاوت است، از کمبود وسایل عمومی حمل و نقل می‌گویند، اینکه خط اتوبوسی تا حرم ندارند. از ترافیک و شلوغی پنچتن حرف می‌زنند و برخی‌ها هم از ناامنی و... جالب است بدانید ۲ خط ۵۶ و ۴۶ اتوبوس‌رانی،

مسیرهای دسترسی به این محدوده و صادقیه هستند. البته برخی از ون‌های عبوری هم تا سر پنچتن می‌آیند، اما مسیر انتهایی این چهارراه را مقدم است و اهالی می‌خواهند دسترسی مستقیم تا حرم مطهر داشته باشند. ■

خیابانی بلند

بروز تا امروز

ک، قصه زندگی آن‌ها نیست و موضوع هستند. چرا هر رسانه‌ای می‌را به زندگی همه آن‌ها کوک است، بی‌هیچ اغراق و مبالغه‌ای. بلکه پنچتن که نخبه‌ها و فعالان ن هستند، این ادعا را ثابت می‌کند. مؤثری برای محله برداشته ن که نه معماری خاصی دارد و نه

مرکز و اداره ویژه‌ای داخل آن است، اما مردمانی پراکنده پشت آن را گرفته‌اند. نقل یک گزارش و چند سطر نیست، اینکه برخی از آن‌ها، به قول خیلی‌ها در این حاشیه چطور توانسته‌اند شهرتی به هم بزنند و پست‌های مهم شهری را به خود اختصاص دهند، جای حرف است. مجموعه‌ای از خانه‌های کوچک و بزرگ، یادگار زمانی است که هرکس هر مقدار توانسته، ساخته است و شاید این یکی از ضعف‌های ساختاری آن باشد که محله‌ای پر از کوچه‌پس‌کوچه‌هایی شده است که جز اهل محله کسی از پیچیدگی‌شان سردر نمی‌آورد.

و به لحاظ سکونت قدمتی طولانی دارد، اما به لحاظ سکونت شهری قدمتش به ۳۵ سال می‌رسد که از جنوب در مجاورت محله پنچتن است، از شرق به محله نیزه و از غرب به طبرسی شمالی و از شمال به دشت مشهد و حوزه کشف‌رود می‌رسد.

پنچتن آل‌عبا تغییر یافت. البته اکنون هم با نام تیمور معروف است. این محله مساحتی بیش از ۲ میلیون و ۹۰۵ هزار و ۶۹۰ متر مربع را در یکی از انتهایی‌ترین محلات مشهد که در بخش شمالی شهر است در خود جاداده است



از اقامت آل تیمور تا نام یک محله

احمد اصغری از کسبه‌ای است که خوب می‌تواند از گذشته محله صحبت کند و حرف‌های زیادی دارد. او که از آن دسته آدم‌های خوش‌مشرب و به قول امروزی‌ها خوش‌کلام است، تعریف می‌کند: «مادر بزرگم می‌گفت یک دوره‌ای کشف‌رود آن‌قدر آب داشت که زمین‌های مجاور آن را در تیمور حتی شالی کشت می‌کردند. نام این منطقه ابتدا «آل تیمور» بوده است و آن هم دلیل داشته است. گفته می‌شود وقتی تیمور قصد لشکرکشی به جایی را داشت، عده‌ای را جلوتر و قبل از سپاه اصلی می‌فرستاد تا در مکانی مناسب و درخور، آذوقه و وسایل لازم را آماده کنند و بعد از اینکه مکانی فتح می‌شد، قصد جای دیگری را می‌کردند. آن زمان کشف‌رود پر آب و منطقه‌ای خوش آب‌وهوا بوده است که تیمور به این منطقه آمده است و تعدادی از همان افراد ساکن شده‌اند و به آن‌ها «آل تیمور» می‌گفتند که اولین ساکنان منطقه بوده‌اند و رفته‌رفته محله به «التیمور» تغییر نام داد و به همین علت قدمت این محله خیلی بالاست و شاید به ۷۰۰ سال هم برسد.»

او ادامه می‌دهد: «التیمور از پنچتن ۹۱ به بعد است. افرادی که زمین‌های این محله را خریداری کردند، هیچ کدام آب و برق و گاز نداشتند تا سال ۱۳۵۶ که حاج رحیم کریمی و حاج ذبیح... حسین زاده و حاج قربان نیک‌رفتار از شرکت برق، خصوصی برای محله انشعاب برق گرفتند. ۴ سال بعد هم حاج آقا فروتن امکان آب لوله‌کشی را به خانه‌ها فراهم کرد، ولی هنوز محله وسعت نیافته بود. در یک طرف روستای نوک‌ریز و روستای خطیب قرار داشتند که همراه با هم پنچتن آل‌عبارا تشکیل می‌دهند و در طرف دیگر هم روستای چرخ و فلک (پنچتن ۷۴) بود که الان به کل تخریب شده و محدوده بولوار طبرسی دوم است.»

حفر موتور آب در سال ۴۹

اصغری ادامه می‌دهد: «ابتدا که هنوز آب نیامده بود، کنار کشف‌رود چشمه‌ای بود که آب آشامیدنی مردم را تأمین می‌کرد و برای مصارف دیگر مثل شست‌وشو و آبیاری زمین‌ها از جویی که به سمت تیمور می‌آمد، آب می‌گرفتند. سال ۴۹ که رودخانه آبش کم شده بود، موتور آب انتهایی تیمور برای آبیاری زمین‌های کشاورزی زده شد. زمستان‌ها ۲ ساعت موتور آب را روشن می‌کردند تا مردم کارهای روزمره‌شان را انجام دهند. حتی لباس و پتو را همین جا می‌شستند. بیشتر مردم به کشف‌رود پر آب آن زمان دریا می‌گفتند و این اصطلاح هنوز هم بر روی یکی از محله‌ها مانده است. یکی از تفریح‌های اهالی ماهیگیری با سبدهای کباره بود. در آن زمان در قسمت‌هایی از مسیر رودخانه‌ای کشف‌رود، بند زده بودند و پشت بندها، ماهی‌ها جمع می‌شدند و جویی هم که به سمت تیمور می‌آمد، ماهی زیاد داشت. با سبدهایی که داشتیم از پشت بندها یادرون جوی ماهی می‌گرفتیم و ماهی را کنار تنور می‌گذاشتیم و کباب می‌شد و بالذت می‌خوردیم.»

کار در کوره‌های آجرپزی

این قدیمی تیمور در ادامه می‌گوید: «اینجا مدرسه نداشت. مدتی سپاه دانش تشکیل شده بود. در مسجد حضرت ابوالفضل چند خانم معلم به پیچه‌های محله درس می‌دادند. بعد هم در همان قلعه تیمور مدرسه ساختند که تا کلاس پنجم بیشتر نداشت و دخترها و پسرها همان جا درس می‌خواندند. سال ۵۳ که کارخانه آجر سفال ابلق تأسیس شد، جمعیت زیادتر شده بود و خیلی از آن‌هایی که بیکار بودند، در این کارخانه مشغول به کار شدند. کوره‌ها در ابتدا دستی بودند و چون مراحل زیادی داشتند، خانوادگی کار می‌کرد و هر خانواده یک قسمت به نام میدان داشت که در آنجا گل درست می‌کرد و در قالب‌های ۴ تا ۶ تایی خشت می‌زد و خشت‌ها که در آفتاب نیمه‌خشک می‌شد، آن‌ها را به کوره منتقل می‌کرد تا کاملاً خشک و تبدیل به آجر بشود.»

درختان لک‌لک نمادند

حاج مختار افراسیاب از آن پیر مرده‌های باصفاست. سن و سال‌دار و قدیمی است، اما حافظه خوبی دارد. تعریف می‌کند: «قدیم‌ها عید که می‌شد، صبح‌ش همه محله که تقریباً ۵۰ خانوادگی می‌شدند، می‌رفتند خانه داروغه و بعد از آن راهی خانه دشتیان محله می‌شدند و بعد هم خانه سرده‌قان که مثل سرکارگر این روزهاست و بعد هم به خانه سرده‌قان می‌رفتند. عیدها برو بیایی برای خود داشت.»

او ادامه می‌دهد: «الان که ۸۰ ساله‌ام از همان دوران کودکی تا جوانی یاد می‌آید. پنچتن درختانی به نام لک‌لک داشت. خیلی‌ها محله را با همین درختان می‌شناختند. درختانی تنومند و بسیار بلند که از داخل شهر هم دیده می‌شدند. آن‌ها کنار درختان توتی که باقی مانده باغ زردآلوی قدیمی تیمور است، قرار داشتند، اما چند سال پیش خشک شدند و از بیسن رفتند. من یک‌بار به محله ساختمان رفته و در راه مسیر را گم کرده بودم که با کمک درختان لک‌لک توانستم راه را پیدا کنم. خیلی‌ها درختان لک‌لک را به عنوان نشانه گذاشته بودند.»

جاده امرغان

اصغر قصبیان یکی دیگر از اهالی قدیمی هم می‌گوید: «جاده ارتباطی محله که بولوار کنونی پنچتن است، آن زمان جاده امرغان نام داشت و کارخانه آجر ابلق سالی یک‌بار جاده را شن‌ریزی می‌کرد و با بلدوزر جاده را صاف می‌کردند و ملاس چغندر هم روی آن‌ها می‌ریختند تا وقتی کمپرسی رد می‌شود، سنگ و شن‌ها از هم نپاشد و مدت بیشتری دوام داشته باشد.»

او حتی یادش هست مسجد صاحب‌الزمان (عج) یکی از مساجد قدیمی است که آقای حسن زاده سال ۵۵ وقف کرد و ۲ خواهر بانی شدند و آن را ساختند و یک مقدار از وسایلشان را هم به مسجد دادند.

غلام شیری مایحتاج را تهیه می‌کرد

صفرعلی چهارچمن سو ۷۰ بهار و فراز و فرودهای زیادی از زندگی را پشت سر گذاشته است. نام قدیم محله که می‌آید، از امکانات کم و وضعیت بهداشتی یادمی‌آید و تعریف می‌کند: «پیچه‌های زیادی بعد از به دنیا آمدن می‌مردند. من خودم ۱۱ فرزند داشتم که فقط ۴ تا آن‌ها مانده‌اند. یادم است وقتی تازه به این محله آمده بودیم، جاده فعلی پنچتن ساخته نشده و خاکی بود و ما هم مثل خیلی‌های دیگر وسیله نقلیه نداشتیم که راحت رفت‌وآمد کنیم. فردی در محله بود که شیر گاو‌ها را جمع می‌کرد و به شهر می‌برد و به غلام شیر می‌معروف بود. هر وقت غلام شیر می‌آمد، همسایه‌ها هر چیزی را که لازم داشتند فهرست می‌دادند تا برایشان تهیه کند. گاز هم نبود و برای گرم کردن خانه‌ها باید نفت تهیه می‌کردیم و میجور بودیم تا چهارراه برق برویم.»

قبرستان محله در پنچتن ۹۱

محمدحسن فرزانه هم تعریف می‌کند: «اهالی مردگان خود را به شهر نمی‌بردند. همین جا در پنچتن ۹۱ قبرستانی بود که آن‌ها را دفن می‌کردند تا اینکه این محدوده به شهر ملحق شد و اجازه دفن به کسی ندادند و بعدها با رضایت اهالی این محدوده به مدرسه عرش تبدیل شد.»

حرف از این محله زیاد است، از کسانی که زمستان‌های پر برف آن را به یاد دارند تا آن‌هایی که می‌گویند: «محله برق نداشته است و فقط کد خدا دستور داده بود مساجد با چراغ‌های توری روشن بمانند. بعضی‌ها یادشان می‌آید در ماه محرم و صفر یا هر مناسبت دیگری که در خانه اهالی محله بوده است، جلو در خانه‌ها را آب و جارو می‌کردند.» ■



پای صحبت خانواده‌ای که با عشق، نان به دست مردم می‌دهند

تنور گرم خانوادگی

هم محلی

مشتری‌های ما غیر از محلی‌ها، تلفنی و سفارشی بودند. در همان چند سال توانستیم هم پول رهن خانه را کنار بگذاریم و هم خود رو بخریم. البته از حق و انصاف نگذریم، نان برکت خداست. من معتقدم اگر در کار نان سعی کنی حق آن را ادا کنی و با بهترین کیفیت نانی به دست خلق بدهی که دورریز نداشته باشد، خدا برکتش را هم می‌رساند.»

● به مشهد برگشتیم

از برگشت دو باره‌شان به مشهد می‌پرسم و اینکه در این شهر کار و بارشان چطور است: «دل تنگ امام رضا (ع) و مردم خوبش شدیم و برگشتیم تا یک بار دیگر شانسمان را اینجا امتحان کنیم.»

این‌ها را طاهره خانم می‌گوید و ادامه می‌دهد: «با پس اندازی که از کار در تهران به دست آورده بودیم، همسرم جواز نانوائی گرفت. بعد هم در محله پنجتن مغازه‌ای را اجاره کردیم. الان یک سال است که من و همسرم همراه با ۲ دختر و پسر در این محله نان به دست مردم می‌دهیم.»

● تحویل سال در نانوائی

از سختی‌های کار می‌پرسم و تعریف می‌کند: «سختی کار نانوائی، آن هم به صورت خانوادگی که کم نیست، اما این با هم بودن سبب شده است تا خوب همدیگر را درک کنیم. دخترها پابه پای من و پدرشان کار می‌کنند، البته دختر بزرگم که به تازگی عقد کرده است، کمتر ماست. روز تعطیل نانوائی‌ها تعریف شده و مشخص است. جمعه که تعطیلی ماست، آن قدر کار و برنامه عقب افتاده داریم که به میهمانی و تفریح نمی‌رسیم.»

می‌پرسم حالا چرا نان توری؟ چرا نان ماشینی نمی‌زنید که هم سرعت کار را بالا می‌برد و هم حرارت آتش کمتر اذیتان می‌کند؟ که آقای احمدی می‌گوید: «عطر و طعم نان توری که در تنور گلی پخته شود، به مراتب بیشتر و بهتر است. طبق تجربه به ۲۰ ساله من و خانم در این حرفه که خودمان صفر تا صدش را به دست گرفتیم، نان توری طرفدار بیشتری دارد.» چیزی به عید نوروز و ایام خانه‌تکانی نمانده است، با این اوضاع خانم‌ها نباید وقت فراغتی داشته باشند. طاهره خانم بالبخند می‌گوید: «چند سال قبل که تهران بودیم، از چند روز مانده به عید دخترها وسایل سفره هفت‌سین را آماده کرده بودند و در خانه چیده شده بود، اما به قدری نانوائی شلوغ بود که تا چند دقیقه قبل سال نو مشغول پخت بودیم. این طور شد آن سال هم لحظه سال نو در کنار تنور و پشت پاچال نانوائی سالمان را نو کردیم.»

آتش از دل تنورهای گلی سر بر آورده از دیوار، ول‌ول می‌کند. در سرمای سوزنده اسفندماه، گرمای دل‌چسبی است. بوی خوش نان تازه این حس خوش را دوچندان می‌کند تا با طیب خاطر بنشیننی بر روی موکت انتهای نانوائی و به صحبت‌های زنی گوش بسیاری که بیش از ۲۰ سال است که پابه پای مرد خود کار می‌کند. موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که می‌فهمیم نانوائی،

۵۸

سیرجانی

یک نانوائی معمولی نیست. نانوائی که از شاطر و پاچال دار گرفته تا خمیرگیر و تنورزن همه و همه خانم هستند، البته به جز پدر خانواده که مردانه پای همه کارهاست.

طاهره زمانی که هجده ساله بود، پای سفره عقد احمد روحانی شاطر می‌نشیند تا یار و همدم خوشی‌ها و سختی‌های مردش باشد. تعریف می‌کند: «شوهرم اصلان از روستاهای رشتخوار است. او در بچگی به مشهد می‌آید تا کارگری کند. دست بر قضا کارش را در نانوائی با پاچال‌داری شروع می‌کند. این طور می‌شود که در همین شغل ماندگار می‌شود و حتی بعد از ازدواج تصمیم می‌گیرد به روستای پدری‌اش برگردد و همین شغل را ادامه دهد.»

او در حالی که به دخترش اشاره می‌کند، حواسش به مشتری‌ها هم هست و می‌گوید: «دختر بزرگم که الان در عقد است، آن زمان شیر خواره بود. ۲ اتاق کاهگلی در روستا به ما دادند.

همان جا ۲ تنور زدیم و کارمان را شروع کردیم. تابستان بود و فصل کار مردان روستا. برای من با بچه کوچک و کارخانه خیلی سخت بود، اما پابه پای شوهرم می‌ماندم. کارمان چنان گرفته بود که روزی ۸ کیسه آرد حتی از روستاهای اطراف برای پخت می‌آوردند. نانمان بنام شده بود، آن قدر که یک نشریه محلی از ما مصاحبه گرفت. بعد از مدتی به شهر برگشتیم. مدتی نانوائی گمرگ و بعد نانوائی راه‌آهن را اجاره کردیم. زندگی مان تازه داشت روی غلتک می‌افتاد که بر سر خیانت در امانت یکی از اقوام، داروندارمان را از دست دادیم و ورشکسته شدیم. این شد که راه تهران را پیش گرفتیم تا شاید گشایشی شود.»

● نان توری خراسان

احمد آقا بعد از راه انداختن چند مشتری نزد ما می‌آید تا دنباله داستان تهران رفتنشان را بگوید: «شنیده بودیم نان توری خراسان آنجا خواهان بسیاری دارد. این شد که راهی تهران شدیم. از خوش شانسی با کسی که مجوز نانوائی داشت، آشنا شدیم. اعتماد ایشان و اجاره کردن مکان بدون هیچ پیش‌پرداختی کمک بزرگی به ما کرد تا دوباره روی پای خودمان بایستیم. نان توری خراسان با آن کیفیتی که ما به دست مردم می‌دادیم، چنان طرفدار پیدا کرد که بیشتر

عطر و طعم نان
که در تنور گلی
پخته شود، بیشتر
و بهتر است



روایت زندگی سوگل وفاطمه که ۲۰ روز مستانی را بی سرپناه مانده‌اند

زیر پل‌ها می‌خوابیم

در مرحله

۵۹

ندا معصوم

سردی این شب‌ها سرمای نیست که بتوان آن‌را به کمک کت و پالتو و فرو کردن دست‌ها در جیب رفع و رجوع کرد. در عرض چند دقیقه استخوان‌ها را درگیر و طاقت آدم را طاق می‌کند. سرمای این شب‌ها طاقت آوردنی نیست که حتی یک ساعت را بخواهی سرکنی، چه اینکه شب طولانی زمستانی را تا صبحش دوام بیاوری، اما یک خانواده این حوالی ۲۰ شب متوالی را به این شکل زیر پل‌ها به صبح رسانده‌اند. موضوع را با چند نفر مطرح می‌کنم، می‌فهمم کارتن خواب‌ها پرتعدادتر از تصور و باور من هستند.

نمی‌دانم با این شکل زندگی چند نفر می‌توانند در زمستان امسال زنده بمانند و به بهار برسند. کاری به حاشیه‌های آن ندارم که کارتن خواب هستند و درگیر اعتیاد و... هر جور و هر شکلی که بخواهیم حساب کنیم، آن‌ها شبیه ما هستند.



● زندگی یک خانواده زیر پل

اول صبح است و هواسوز بدی دارد. مسیرمان زیر پلی است که به بوستان بسیج وصل می‌شود. مرد مشغول جمع کردن زیراندازهای گونی مانند رنگ‌ورورفته و کهنه است. فاطمه پستانک را به دهان می‌گیرد و از بابا چیزی می‌خواهد. مرد شالش را محکم دور دهان پیچانده و تازیر چشم‌ها بالا آورده است. چیزی می‌گوید که نمی‌فهمم. فاطمه می‌رود سمت مادر، زن آشفته و پریشان موهای فاطمه را زیر و سری کوچکش پنهان می‌کند.

سوگل به نظر می‌رسد یک تا ۲ سال بزرگ‌تر از فاطمه باشد. رنگ صورتی کاپشنی که در تنش به شدت بزرگ است، چرک‌مرده شده است. صورت‌هایشان سرخ است و سرفه می‌کنند. فاطمه پستانکش را می‌مکد و بی‌خبر از دنیای اطراف نگاهمان می‌کند و می‌خندد.

مرد می‌گوید: چند شب در پارک می‌خوابیدم. فکر کردم زیر پل سرمایش کمتر است.

وقتی می‌پرسم چطور با این سردی شب‌ها بیرون خانه سرکرده‌اید؟ زن خیلی کوتاه برمی‌گردد و نگاه می‌کند. از سؤالی که پرسیده‌ام شرم می‌شود. زن حرفی نمی‌زند و معلوم است دوست دارد هر چه زودتر تمامش کنیم. بی‌حوصلگی مرد و زن با این شرایط طبیعی است.

مرد تعریف می‌کند: ۲۰ روز است آواره‌ایم. کارگری می‌کردم و ماهی ۲۵۰ هزار تومان اجاره‌خانه‌مان بود. زمستان کار خراب است و اجاره عقب افتاده بود، صاحب‌خانه جوابمان کرد. دوست نداشتم به کسی رو بزنم. اوایل در پارک می‌خوابیدیم، اما فاطمه و سوگل مریض شدند. گفتم زیر پل باد و بارانی نیست. همین جا می‌خوابیم تا ببینیم خدا چه می‌خواهد. چند گونی بزرگ همراهشان است که مرد و زن هر روز با خودشان این طرف و آن طرف می‌کشند.

● زیر پل بهتر از گداخانه است

برایم عجیب است تا به حال رهگذری آن‌ها را ندیده است

که بخواهد کمک حالشان باشد؟ مرد انگار فکر را خوانده باشد، پشت بندش می‌گوید: خورد و خوراکمان را رهگذرها می‌دهند و برای بچه‌ها چیزی می‌خرند، وگرنه که تا به حال مرده بودیم، اما حقیقتش از مأمورها می‌ترسم، چندبار می‌خواستند ما را به خانه سبز ببرند. ترجیح می‌دهیم همین جا بمانیم تا به گداخانه برویم.

● هیچ راهی بهتر از نیکی کردن نیست

صادق عباسی، روحانی مسجد علی بن ابیطالب (ع)، همراهان است و حرف‌ها را می‌شنود و از آن‌ها می‌خواهد میهمان مسجد آن‌ها باشند. چند شبی است اتفاقی موقت برای آن‌ها مهیا شده است. سوگل و فاطمه حمام‌رفته‌اند و خورد و خوراکشان هم برآه است. زن هنوز هم حرفی نمی‌زند و مرد آرام‌تر شده است، اما می‌داند این شرایط موقتی و گذراست.

فضا و فعالیت‌های مسجدی اجازه نمی‌دهد خانواده بیشتر از این آنجا بمانند. چند شبی را میهمان یکی از همسایه‌هایشان می‌شوند. مرد جدا، دخترها و مادرش هم جدا. آقای عباسی همچنان پیگیر کار آن‌هاست و امید دارد به عید نرسیده کار این خانواده هم به سامان برسد.

می‌دانیم جدال هر روز مردم با مشکلات تمامی ندارد و تقریباً همه ما روزمان را این‌طور شروع می‌کنیم. با سختی‌ها می‌جنگیم، زمین می‌خوریم و سر پا می‌ایستیم و یاد می‌گیریم چطور این مسیر را ادامه دهیم.

آدمی که بخواهد کاری انجام بدهد، راهش را پیدا می‌کند، آدمی که بخواهد بهانه‌اش را. این روزها حتی اگر دل‌ودماغ نداریم، هیچ راهی بهتر از مهربانی و نیکی کردن برای فرار از این حال بد وجود ندارد. نمی‌دانم نمی‌خواهم قضاوت کنم تقصیر به گردن کیست که فاطمه و سوگل بی‌گناه تاوان پس می‌دهند، اما می‌دانم زندگی پاتکیه کردن‌های ما به همدیگر است که پیش‌رفته است. مابده‌تر از این‌ها را هم چاره کرده‌ایم. فقط باید بخواهیم. همین.

آی‌خبر

۱۰

بانوان کارآفرین محله علیمردانی راه‌اندازی کردند

بازارچه خوداشتغالی در مسجد هدایت

بازارچه خوداشتغالی مسجد هدایت از ۱۲ بهمن ماه و هم‌زمان با آغاز دهه فجر آغاز به کار کرد و تا پنجشنبه پایان اسفندماه دایر است.

فرمانده بسیج پایگاه الزهرا(س) با اشاره به این موضوع که پایگاه‌های بسیج و مساجد محله در کنار فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، می‌توانند مجموعه‌های کارآفرین هم باشند، گفت: پایگاه الزهرا(س) در محله علیمردانی چنین فرصتی را برای بانوان کارآفرین و خوداشتغال محله مسجد هدایت فراهم کرده است.

چهارمحالی یادآور شد: این بازار برای فعال‌کردن بانوان محلی در راستای کمک معیشتی و همچنین تشویق به خرید کالای ایرانی راه‌اندازی شده است و غرفه‌داران بازار بیشتر محلی و بانوان سرپرست خانوار هستند.

وی اظهار کرد ۵ درصد از فروش اجناس برای کمک به خدمات عام‌المنفعه از فروشندگان دریافت می‌شود و البته این درصد به شرط فروش هست و اگر کسی فروشی نداشته باشد، ملزم به پرداخت نیست.

چهارمحالی با بیان اینکه ۳ سال است در آستانه نوروز این بازارچه برگزار می‌شود و فروش خوبی داشته و طرحی موفقیت‌آمیز بوده است، یادآور شد: بانوان محلی تولیدات خوراکی خود را شامل مواد خوراکی، داروی گیاهی، عرقیات خانگی، کفش، لباس، زیورآلات نقره و استیل، ترمه، ترشیجات، مرباجات و... ارائه می‌کنند.

وی یادآور شد: بازدید این مجموعه در طبقه دوم مسجد از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر برای عموم آزاد است.



در مدرسه خطیبی برگزار شد

آموزش مدیریت مصرف

دانش‌آموزان مدرسه پسرانه خطیبی مدیریت مصرف برق را آموزش دیدند.

به گزارش شهرآرامحله، مدیر دبستان شهید خطیبی هدف از اجرای این برنامه را در کنار آموزش روزانه، فرهنگ‌سازی درباره استفاده درست و بهینه از انرژی‌های پیرامونی و به‌ویژه برق یاد کرد و گفت: دانش‌آموزان باید از همین دوران ابتدایی روش‌های مناسب مصرف و صرفه‌جویی را بیاموزند تا بتوانند در آینده آن را در زندگی‌هایشان پیاده کنند.

حسن رضایی افزود: با حضور نصرت عباسی‌مقدم و ریحانه کمیلی، کارشناسان دفتر مدیریت مصرف توزیع برق مشهد، در مراسمی شاد و سرگرم‌کننده به دانش‌آموزان آموزش داده شد برق‌های اضافی منزل و مدرسه را خاموش کنند تا هم هزینه‌ها کمتر شود و هم کمکی به ذخیره انرژی شود. درحالی‌که آن‌ها هم می‌توانند آموزه‌های خود را به خانواده‌هایشان انتقال دهند.

وی یادآور شد: ۵۰ لامپ کم‌مصرف به‌عنوان جایزه و ۱۰۰ کتاب درباره روش‌های الگوی مصرف به دانش‌آموزان اهدا شد.



محلات منطقه ما: طلاب، گلشور، انبار، تلگرد و حید، بسوذر، میثم شمالی، پنجتن، شهید قربانی پنج تن آل عبا

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: شهرآرامحله: مجید خرمی
سر دبیر: شهرآرامحله: رضا سلیمان نوری
دبیر منطقه: معصومه فرمانی کیا
مدیر منطقه: شهرآرامحله: مهرداد عبدلی
تلفن دفتر شهرآرامحله منطقه: ۳۲۷۰۰۹۲۸

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۰۵
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرامحله: میدان شهدا
نیش دانشگاه یک

دفتر شهرآرامحله منطقه ۴: انتهای ابوریحان
مقابل بیمارستان هاشمی نژاد
پست الکترونیک: mahalle4@shahrara.ir
کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر



۱۱

تجهیز سایت‌های دوچرخه بوستان بانوان

کارشناس تربیت بدنی از تجهیز سایت‌های دوچرخه بوستان‌های بانوان «بهشت» و «ارم» خبر داد.

ساره فتاحی افزود: مدیران شهری در سال‌های گذشته به تخصیص فضایی مناسب برای ورزش، تفریح و رفاه بانوان توجه ویژه کرده‌اند.

وی ضمن اشاره به بهره‌برداری از بوستان‌های بانوان بهشت در نبوت ۴۲ و ارم در پنجتن ۴۵ تصریح کرد: برای رفاه بیشتر بانوان و ارائه خدمات بهتر به آنان، در این بوستان‌ها ایستگاه دوچرخه راه‌اندازی شده است که تا پایان امسال به ۴۰ دوچرخه جدید مجهز می‌شود و بانوان می‌توانند با ارائه مدارک لازم، در داخل بوستان‌ها از آن‌ها استفاده کنند.

فتاحی اظهار کرد: مسیرهای دوچرخه نیز از طریق اجرای خط‌کشی‌های ویژه ترافیکی برای استفاده بانوان ایمن‌سازی می‌شود. تجهیز ایستگاه‌های دوچرخه بوستان‌های بانوان ارم و بهشت به دوچرخه جدید، همراه با اجرای ۸ مجموعه وسایل بدن‌سازی پارکی در بوستان‌های منطقه با هزینه‌ای بیش از ۲ میلیارد ریال در حال انجام است و تا پایان امسال به پایان خواهد رسید.



۱۲

بسیج خدمات برای آمدن بهار

شهردار منطقه ۴ مشهد از شروع اقدامات عمرانی، فرهنگی، خدماتی، فضای سبز و ترافیکی برای استقبال از بهار ۹۹ در منطقه خبر داد.

به گزارش شهرآرامحله، غلامرضا غلامی گفت: تمامی حوزه‌های خدماتی، برنامه‌ها و اقدامات خود را برای استقبال و زیباسازی دیداری منطقه شروع کردند.

وی یادآور شد: آذین‌بندی و نورپردازی معابر و میدان‌های منطقه به صورت گسترده، رنگ‌آمیزی جدول‌ها، المان‌ها و میلمان شهری، لای‌روبی کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی، پاک‌سازی و رفع نازیبایی معابر و... با اعتباری بیش از ۷ میلیارد ریال در دستورکار اداره خدمات شهری منطقه قرار دارد. غلامی خاطر نشان کرد: در حوزه فضای سبز نیز گل‌کاری معابر، میدان‌ها، بوستان‌ها، بازپیرایی فضای سبز، اجرای طرح درخت‌کاری، ساخت و جانمایی المان‌های متنوع گل در منطقه، رنگ‌آمیزی میلمان پارکی و ایمن‌سازی زمین‌بازی کودکان انجام خواهد شد و در حوزه عمرانی اقداماتی مانند بهسازی و مرمت پیاده‌روها، لکه‌گیری آسفالت معابر، مرمت و بازسازی جدول‌های فرسوده، تعویض دال‌های معیوب و جمع‌آوری حفاری‌ها، قبل از بهار انجام می‌شود. که تاکنون ادامه دارد و تا پایان سال ۹۸ فعال خواهد بود.



۱۳

اقدامات ترافیکی ویژه نوروز

معاون اجرایی شهردار در امور منطقه از اقدامات ویژه و متعدد ترافیکی با هدف ایمن‌سازی معابر و بهبود وضعیت ترافیکی در آستانه بهار ۹۹ خبر داد.

به گزارش شهرآرامحله، مهندس احمد قربانزاده گفت: در این پروژه ۸۵۰۰ متر طول عملیات خط‌کشی محوری در معابر این منطقه انجام می‌شود.

وی گفت: نصب تابلوها و تجهیزات ترافیکی، پیگیری اجرای عملیات اصلاح هندسی در خیابان علامه ۲۳ و... تا پایان امسال در دستورکار شهرداری منطقه قرار دارد.

قربانزاده با اشاره به اینکه در این ایام مسیرهای ویژه دوچرخه در منطقه به مساحت ۴۵۰۰ متر مربع رنگ‌آمیزی و بازسازی می‌شود، یادآور شد: براساس مصوبه شورای اجتماعی محله و حید، سرعت‌گیرها و سرعت‌کاه‌های این محله رنگ‌آمیزی و خط‌کشی عابر پیاده در این محدوده با اعتبار ۹۴۰ میلیون ریال اجرا می‌شود.

وی همچنین از اجرای خط‌کشی عابر پیاده در دیگر مکان‌های تعیین شده خبر داد و گفت: براساس نظر کارشناسی و نیازسنجی، سرعت‌گیرها و سرعت‌کاه‌های منطقه رنگ‌آمیزی و خط‌کشی عابر پیاده نیز انجام می‌شود.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن‌را به گوش مسئولان برسانیم.

حل مشکل کارتن‌خواب پنجتن

حشمتی: کارتن‌خوابی در پنجتن ۵۸ جنب املاک اقامت دارد که با توجه به هوای سرد، بهتر است شهرداری در این رابطه اقدامی انجام دهد.

پاسخ ۱۲۷: فرد پادشده به مرکز رسیدگی و سامان‌دهی آسیب‌دیدگان اجتماعی فرستاده شد.

خاموشی پل برقی

۰۹۱۵۰۰۰۶۸۵: پله برقی پل عابر پیاده بزرگراه بابانظر ۱۸ هر روز ساعت ۶:۳۰ تا ۷:۳۰ صبح خاموش است که موجب سختی در تردد سالمندان شده است، لطفاً با توجه به تردد توان‌یابان، سالمندان و... به آن رسیدگی کنید.

پاسخ ۱۳۷: اختلال به پیمانکار برای رفع نقص ابلاغ شده است.

موش‌دوانی موش‌ها

۰۹۱۵۰۰۰۶۲۴۰: موش‌های داخل چوبی خیابان طبرسی جنوبی، حدفاصل ۵۹ و ۶۱ به لحاظ بهداشتی مشکل‌آفرین شده‌اند و سلامت این محله را به خطر انداخته‌اند.

پاسخ ۱۳۷: باتوجه به درخواست شهروند، در آن منطقه طعمه‌گذاری شد.



مردمک

شاید به این جهان آن‌قدر عادت کرده‌ای که دیوارها را از خاطر برده‌ای دیوارها بدون انتظار خوبی می‌کنند

پنجتن ۴۵

۱۴

سیرجانی
شهرآرامحله